

اطلاعات مفید را با صحت بالا استخراج کرد، نظام اظهارنامه‌های مالیاتی است. اظهارنامه مالیاتی سیستمی جامع و فراگیر است و در حال حاضر در اکثر کشورهای دنیا، منافع ناشی از سیاست‌های رفاهی دولت‌ها، از این کانال شامل حال شهروندان می‌شوند. به طور مثال، هزینه‌های گزافی همچون هزینه درمان که اقتصادهای پیشرفته جهان در راستای رفاه شهروندان انجام می‌دهند، بر مبنای اطلاعاتی صورت می‌گیرند که از طریق همین اظهارنامه‌های مالیاتی اخذ شده و این در حالی است که در کشور ما مطرح می‌شود: "اگر به یارانه نیاز ندارید، اظهارنامه پر نکنید!" ■

بر این مدعا است. برای رفع و کاهش این معضلات نیازمند تربیت حسابرسان پاکدست و استفاده از ظرفیت این افراد هستیم که البته این مطلب به معنای عملکرد مطلوب حسابرسان فعلی ما نیست.

اظهارنامه مالیاتی، به جای فرم اطلاعات اقتصادی

با توجه به نزدیکی زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، مناسب‌ترین سیستم جمع‌آوری اطلاعات مربوط به افراد و خانوار ایرانی که با استناد به آن می‌توان میزان بیکاری، عائله‌مندی، سطح درآمدها و هزینه‌ها و بسیاری از

بی‌اعتمادی به سیاست‌ها

مردم و چراغ قرمز دولت

اصلی‌ترین عاملی که رابطه دولت-مردم و میزان پایبندی به قانون را تعیین می‌کند، اطمینان مردم است به سیاست‌های دولتشان.



برخی وزیران و مسؤولان اقتصادی دولت همراه بود. داوود دانش جعفری و پهماسب مظاهری از جمله این افراد بودند. در این راستا، بانک مرکزی با این استدلال که بسیاری از بنگاه‌های زودبازده، وام‌های ارزان

قیمت دریافتی را صرف امور تعهد شده نکرده‌اند و این وجوه به انحراف رفته و به نقدینگی و تورم دامن زده‌اند، خواهان توقف یا کاهش پرداخت تسهیلات شدند. البته آمارهای منتشر شده توسط سازمان‌های مختلف در مورد این طرح اختلافات بسیاری دارند و کار را برای تحلیل درست سخت کرده‌اند. به همین علت، نگارنده از ارایه آمار در این مورد خودداری می‌کند و تنها به ارقام منتشر شده در گزارش ارزیابی تسهیلات پرداختی بانک‌ها که به سفارش بانک مرکزی انجام گرفته استناد می‌کند. البته ناگفته نماند که این سیاست می‌باید در دولت‌های قبل انجام می‌گرفت.

این ارقام به مراتب از ارقام ارائه شده دیگر سازمان‌ها بسیار کوچکتر هستند، ولی باز هم مؤید انحراف قابل توجهی در دستیابی به اهداف و پیش‌بینی‌های طرح بنگاه‌های زودبازده می‌باشند. در مورد سهمیه‌بندی بنزین هم شاهد همین هیاهوها و جنجال‌ها بوده‌ایم. میزان این نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها به حدی بود که خود دولت اعلام زمان و نحوه اجرای سهمیه‌بندی بنزین را به ساعتی از نیمه شب ششم تیر ماه ۸۶ موکول کرد تا به زعم خود از وقوع بحران‌های احتمالی بکاهد. این خود نشان از عدم اعتماد دولت نسبت به عکس‌العمل مردم در مقابل طرح‌های خود دارد.

دولت در نظر داشت با اعمال این طرح مصرف سوخت را کاهش دهد، ولی در عمل تلاش‌های بسیاری را از سوی مردم برای کم‌رنگ کردن اثرات این طرح شاهد بودیم. فروش کارت سوخت‌های تقلبی و یا فروش سهمیه بنزین تاکسی‌ها از جمله این اثرات بودند که جملگی ریشه در کم‌اعتمادی در ساختار رابطه دولت-ملت دارند. در مورد طرح تحول اقتصادی نیز همین سناریو در حال به وقوع پیوستن است. به طور مثال، اطلاعات موجود در فرم‌های اطلاعات خانوار تا چه حد از صحت و سقم برخوردار است؟ تا چه حد می‌توان به همکاری مردم که یکی از بازیگران مهم بازی دولت-ملت هستند، در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها امیدوار بود؟ به هر حال، لازم است دولت تمامی توان خود را در جهت حل مسأله ناطمینانی و افول سرمایه اجتماعی به کار گیرد، چرا که در این صورت بعید نیست که این طرح به سرنوشت دیگر طرح‌های دولت دچار شود. به یاد داشته باشیم آزموده را آزمودن خطاست. ■

اگر به فراز و نشیب سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های اخیر در حوزه اقتصاد نگاهی اجمالی بی‌اندازیم، این نکته را درخواهیم یافت که اکثریت این سیاست‌ها - چه آنها که همسو و هم راستای نظرات کارشناسان و اهل فن علم اقتصاد بوده‌اند و چه آنها که با مخالفت اقتصاددانان روبه‌رو شده‌اند - غالباً با اهداف پیش‌بینی شده خود فاصله بسیار داشته‌اند و یا پس از گذشت مدت کمی از اجراء نیمه‌کاره رها شده‌اند. حال سؤال اساسی اینجا است که چرا سیاست‌های اقتصادی در ایران حتی اگر از پشتوانه‌های علمی برخوردار باشند، باز هم آن طور که باید نتیجه‌ای در بر ندارند؟ چرا در اکثریت سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده توسط دولت، مردم روی خوشی به این تصمیمات نداشته و همواره در پی به حداقل رساندن اثرات این تصمیمات بوده‌اند؟

برای تحلیل و آسیب شناسی این موضوع می‌توان روند اجرای سیاست‌های اقتصادی را که توسط دولت اتخاذ می‌شود، با رهیافتی از یک بازی اقتصادی بررسی کرد؛ به این شکل که سیاستی که دولت در قبال مردم اتخاذ می‌کند در حقیقت راهبردی است که دولت در بازی با طرف مقابل (مردم) انتخاب کرده است. در مقابل، مردم در برابر این استراتژی دولت، عکس‌العمل و استراتژی خود را انتخاب خواهند کرد. بر این اساس، زمانی که دولت تصمیم به اجرای سیاستی می‌گیرد، جدا از آن که به ماهیت تصمیم خود می‌اندیشد، باید به استراتژی و تصمیمات طرف مقابل که همان مردم خواهند بود توجه داشته باشد. به دیگر سخن، اثربخشی سیاست‌های اقتصادی دولت، منوط به استراتژی و عمل متقابل مردم خواهد بود و هر چه این ذهنیت بر اساس اعتماد و مشارکت پی‌ریزی شده باشد، برون داد (Payoff) این بازی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

تحقیقات علمی نشان می‌دهند هر گاه اعتماد مردم به دولت و میزان مشارکت و همکاری آنان در سیاست‌های اقتصادی کشور بیشتر باشد، اثرگذاری سیاست‌ها بیشتر و مفیدتر خواهد بود. همچنین این امر، هزینه مبادله را کاهش خواهد داد که به افزایش اعتماد، کاهش مقررات و قوانین مورد نیاز برای برقراری قراردادها در جامعه و کاهش قوانین دست و پاگیر و پُرهزینه منجر می‌شود. نگاهی به سیاست‌های اجرا شده طی این سال‌ها نشان می‌دهد که در اکثریت این تصمیمات، مردم اعتماد چندانی به نتایج این سیاست‌ها نداشته‌اند.

شاهد عینی

طرح بنگاه‌های زودبازده که از اسفند ۸۴ به عنوان سیاست اشتغال‌زایی دولت در دستور کار قرار گرفت با مخالفت‌ها و هیاهوی بسیار و حتی همراه شدن با حذف